

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسندگان: الحاج داکتر امین الدین سعیدی و داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۷ سپتمبر ۲۰۱۳

مکه مکرمه

۱

خواننده محترم!



حج امانتی الهی و چهارمین رکن اسلام بعد از «نماز»، «زکات»، و «روزه» می باشد. در اهمیت حج همین قدر بس است که در روایت اسلامی آمده است: «اگر مسلمانی مستطع شود و به مکه نرود و بمیرد، شایسته نام مسلمانی نیست و یهودی یا نصرانی از دنیا خواهد رفت.»

پاک ترین مکان را در روی خویش برگزید و آن مکان را مسلمانان جهان قرار داد.

بِیْكَهٖ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ دَخَلَهُ كَانْ آمِنًا»

را قبله مسلمانان قرار داد، تا روز، چندین نوبت به سوی آن تَرُضَاهَا» (بقره: ۱۴۴) «وَ (بقره: ۱۲۵) از سوی دیگر،



خداوند متعال؛ مقدس ترین و زمین برای بنای خانه «کعبه» سرزمینی امن و مورد توجه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷) و کعبه میلیون ها مسلمان، در هر شبانه نماز گزارند. «فَلتَوَلَّيْنَكَ قِبْلَةً إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا»

خداوند مکه را زادگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و محل رشد و سکونت آن حضرت قرار داد و اگر مشرکان ایشان را از مکه اخراج نمی کردند، در آن جای سکونت دایمی اختیار می کردند، چنانچه چنین فرموده است:

«اگر قوم من، مرا از مکه بیرون نمی کردند، در جای دیگری سکونت نمی گزیدم.» (سنن ترمذی، ج ۲، ص ۷۲۳؛

مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۲۵)

عربستان سعودی:

کشور عربستان سعودی دو میلیون و دوصد و چهل هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن تقریباً ۱۳ میلیون نفر است. این کشور در جنوب غربی آسیا موقعیت دارد، از شمال به کشور پادشاهی اردن هاشمی، عراق و کویت و از

شرق به خلیج فارس و کشور های خلیج ، و از جنوب به جمهوری یمن و از مغرب به بحر سرخ محدود است. پادشاهی در عربستان موروثی است .

پایتخت عربستان ریاض است و مراکز دینی این کشور دو شهر مکه و مدینه می باشند. مردم عربستان مسلمان هستند ، اما ؛ در فروع ، پیروی مذهب امام احمد بن محمد بن حنبل (م - ۲۴۲) و در اصول اعتقاد، پیرو مکتب ابوالحسن ابوالحسن (م - ۳۳۰) می باشند.

ضمناً باید گفت که در کشور عربستان تعدادی از پیروان محمد بن عبدالوهاب نیز وجود دارند. نامبرده در شهر «عینیه» از بلاد نجد متولد شد. فقه حنبلی را ز پدر خویش آموخت و سرانجام بر اثر خواندن کتاب های ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸) و شاگرد او ابن قیم (۶۹۱ - ۷۵۱) روش آنان را پذیرفت. البته ابوالحسن ابوالحسن و محمد بن عبدالوهاب معروف به ظاهری هستند؛ یعنی بر ظاهر معنای قرآن و احادیث اعتقاد دارند.

قابل تذکر است: محمد بن سعود سر سلسله خاندان سعودی، که در قریه درعیه (نزدیک ریاض فعلی) اقامت داشت، نیز به ایشان گروید و پس از او ، پادشاهان دیگر نیز از وی پیروی کردند.

مکه :

مکه «ام القری» و مرکز ظهور دین اسلام است و گذشته از شرافت و قداستی که از آغاز خلقت و به خصوص از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام داشت و اولین آیت مبارکه قرآن کریم « أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ » «سورة العلق» نیز در مکه بر رسول الله صلی الله علیه و سلم فرود آمد.

مکه در ارتفاع ۳۳۰ متر از سطح بحر قرار دارد و رشته کوه های متعددی آن را فرا گرفته است. فاصله مکه تا شهر بندری جده حدود هشتاد کیلومتر و درجه حرارت آن در زمستان و تابستان میان ۱۸ تا ۴۷ درجه سانتی گراد بالای صفر متغیر است.

هر چند این شهر از هزاران سال پیش به قداست معروف بوده اما ؛ سراسر این تاریخ جز آغاز و آخر آن به درستی روشن نیست. به اساس فرموده قرآن عظیم الشان، نخستین کس، ابراهیم «ع» بود که خانواده خود را در این سرزمین بی آب و علف جای داد تا این که در دوره های پس از آن، گروهی به نام «عمالیق» بر آن مسلط شدند. در سده چهارم میلادی بر اثر به هم خوردن اوضاع اجتماعی و اقتصادی جنوب عربستان، دسته های از مردم جنوب به دیگر نقاط شبه جزیره مهاجرت کردند.

قبیله ای که به نام «جُرْهُم» معروف بودند در مکه ساکن شدند و کار اداره شهر را به عهده گرفتند. پس از آنان قبیله «خزاعه» بر آنجا سلطه یافتند و در آغاز سده ششم میلادی قصبی فرزند کلاب ، جدّ اعلاّی رسول خدا صلی الله علیه و آله قریش را، که در بیابان ها و دره های بیرون مکه می زیستند، به شهر آورد و ریاست مکه را در دست گرفت و «دار الندوه» را تأسیس کرد.

دار الندوه نخستین و تنها مجلس مشاوره در سراسر عربستان بود. این مجلس سپس منزلگاه خلفاء و امراء گردید، سپس اندک اندک بنای آن رو به ویرانی نهاد و سرانجام جزو مسجد گردید .

مسجد الحرام :

نام مسجدی است که گردا گرد کعبه شریفه قرار دارد و قدیمی ترین و مشهور ترین مسجد در تاریخ اسلام به شمار می رود.

تاریخ نشان دهنده آن است که تا پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و سلم مردم خانه‌های خود را نزدیک به خانه کعبه می‌ساختند، ولی؛ در دوران خلفاء از آن جلوگیری کرده و به تدریج بر مساحت مسجد افزودند؛ به شکلی که هم اکنون حدود یکصد و هشتاد هزار متر مربع مساحت دارد.

مسجد الحرام از طرف شرق، به کوه ابوقبیس، از سمت غرب به جبل عمر و خیابان شبیکه، از شمال به خیابان شامیه و کوه هندی و از سمت جنوب به سرک اجیاد و مسفله محدود است.

قرار احصائیه مسجد حرم شصت و دو دروازه بزرگ و کوچک را در می‌باشد؛ سه در اصلی و بزرگ آن به نام‌های «باب العمره»، «باب السلام» و «باب ملک عبد العزیز» معروف است و بر هر یک دو مناره به ارتفاع ۹۲ متر با قاعده‌ای به ابعاد ۷ * ۷ متر قرار دارد و بر تارک هر مناره، هلالی به ارتفاع ۵/۶ متر از برنز طلاکاری است.

هفتمین مناره مسجد بر در «باب الصفا» است. دو مناره بزرگ نیز که هر یک به ارتفاع ۸۹ متر است در ضلع غربی مسجد، در توسعه اخیر بنا گردیده است که بدین ترتیب تعداد آنها به نه عدد رسیده است. مسجد با وسعت فعلی گنجایش حدود یک میلیون نمازگزار را دارد.

اسماء کعبه:

«البیت العتیق» و «البیت الحرام». کعبه ارتباط مستقیم به ارکان اسلام دارد مخصوصاً فریضه حج، زیارت و طواف کعبه رکنی از ارکان حج است. همچنین در ادای فریضه نماز نیز کعبه قبله مسلمانان است. یک نماز در مقابل کعبه در مسجد الحرام برابر با صد هزار نماز و یک درهم خرج کردن در راه خدا در آن سرزمین برابر با صد هزار درهم است.

دلیل نامگذاری کعبه به بیت الحرام این است که خداوند ورود مشرکان را به این مکان مقدس حرام و ممنوع فرموده است.

بیت الله الحرام در طول تاریخ مورد احترام همگان بوده است. در احادیث آمده است که در آغاز آفرینش سراسر زمین را آب فرا گرفته بود و نخستین خشکی که آفریده شد زمین زیر کعبه بود که خشکی‌های دیگر از آن گسترده گشت.

بر اساس روایات اسلامی :

کعبه را ابتداء حضرت آدم علیه السلام ساخت و سپس حضرت ابراهیم علیه السلام به کمک پسرش اسماعیل علیه السلام تعمیر و بازسازی کرد. کعبه در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم و قبل از بعثت، به دست قریش و با همکاری رسول خدا، بر اساس بنای اولیه ابراهیم علیه السلام، دوباره بازسازی شد.

خداوند کعبه و اطراف آن را «حرم» قرار داده است؛ یعنی مقدس شمرده و ارتکاب گناه و قتل و شکار و تجاوز به جان و مال مردم و جنگ و دزدی و راهزنی و ... را در آن جایز ندانسته است. وقتی مجرمی به آنجا پناه ببرد کسی حق مؤاخذه او را ندارد.

خانه کعبه:

کعبه ساختمان چهار گوشه مسقفی است در داخل مسجد الحرام که نمای ظاهری آن را سنگ‌های مایل به رنگ خاکستری تشکیل می‌دهد و در تمام مدت سال، با پرده‌ای سیاه که حاشیه فوقانی آن با نخ‌های طلایی قلاب دوزی شده، پوشیده است.

کعبه مقدس ترین مکان در دین مقدس اسلام است . بلندی خانه کعبه تقریباً ۱۵ متر است . طول ضلع در کعبه، یعنی از رکن اسود تا رکن عراقی ۱۱/۴۸ متر طول رکن عراقی تا شامی؛ طرفی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد ۹ متر و ۹۰ سانتی متر طول رکن شامی تا رکن یمانی ۱۲/۰۴ متر و طول رکن یمانی تا رکن اسود ۱۰/۱۸ متر است. در خانه بر ضلع شرقی قرار دارد و بلندی آن از زمین دو متر است. در تمام سال، جز هنگامی که بخواهند داخل خانه را شست و شو کنند، و یا میهمانی بلند پایه از کشورهای اسلامی داشته باشند، بسته است.

اعمار و ترمیم کعبه :

مؤرخین می نویسند: ساختمان کعبه ۱۰ بار اعمار و بنیان آن گذاشته شده است .

بنیان توسط الملائکه ، بنیان توسط آدم علیه السلام ، بنیان توسط شیث علیه السلام ، بنیان توسط ابراهیم علیه السلام و پسرش اسماعیل ، بنیان العمالقه، بنیان جرهم ، بنیان مضر ، بنیان قریش ، بنیان عبدالله بن زبیر ، و بنیان حجاج بن یوسف الثقفی .

ساختمان فعلی کعبه از زمان حجاج بن یوسف ثقفی و بازسازی همان ساختمان در دوران خلافت «سلطان مراد چهارم» از پادشاهان عثمانی است که در سال ۱۰۴۰ هجری بر اثر سیلاب در داخل مسجد الحرام و تخریب آن از نو باسازی گردید. این ساختمان استحکام و قدرتمندی کامل دارد، که تا به حال پابرجا و استوار مانده است.

حجرالأسود :

به حجر الأسود «رکن» نیز گفته می شود، زیرا در مهمترین رکن از بیت الله الحرام قرار گرفته است . حجرالأسود در محلی است که طواف از آنجا آغاز می گردد و آن رکن شرقی خانه کعبه می باشد . این رکن داری یک متر و نیم ارتفاع از سطح زمین مطاف است تا این که هر انسانی ، به استثنای کودکان، بتوانند آن را بوسیده و استلام کنند. حجرالأسود در اصل سفید بوده و گفته می شود که در اثر دست کشیدن کفار و گناهکاران به آن، به رنگ سیاه تغییر یافته است. و نیز گفته می شود که این سنگ هم اکنون از درون سفید است لیکن ظاهر آن بر اثر آتش سوزی ، که در دوران قریش و ابن زبیر در کعبه اتفاق افتاد، سیاه شده است. هم اکنون حجرالأسود از قطعات کوچکی که به هم اتصال داده شده، تشکیل گردیده است. گفتنی است تمامی این قطعات به وسیله طوقی از نقره خالص پوشیده شده است. این سنگ حدود نیم ذراع در درون دیوار کعبه قرار داده شده است، آنچنانکه در این باره گفته اند:

مقدار طول حجرالأسود نیم ذراع و عرض آن ثلث ذراع، یک قیراط کم، می باشد.

حجرالأسود به دوران حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) برمی گردد. بدین صورت که به هنگام بنیان کعبه به دست ابراهیم به همراه فرزندش اسماعیل، اسماعیل سنگها را بر روی شانه خود حمل می کرد و به دست ابراهیم می داد تا این که به جایگاه حجرالأسود در رکن رسیدند، در این هنگام ابراهیم به فرزندش اسماعیل گفت:

سنگی را بری من بیاور که در اینجا قرار دهم تا راهنمایی باشد بری محل آغاز طواف.

پس اسماعیل در پی یافتن آن سنگ روان گردید و بعد از مدتی مراجعت کرد در حالی که حجرالأسود را در دست حضرت ابراهیم دید! خداوند عزّ و جلّ این سنگ را به هنگام طوفان در دوران حضرت نوح (علیه السلام) در کوه ابوقبیس به ودیعت نهاده و به او فرموده بود: اگر روزی خلیل مرا دیدی که خانه ای برای من می سازد، پس آن را برای وی آشکار گردان.

اسماعیل وقتی آن را دید، پرسید:

ای پدر، این سنگ را از کجا آوردی؟ ابراهیم پاسخ داد: آن را از سوی کسی فرستاده اند که مرا به سنگ تو واگذار نکرد. آن را جبرئیل بری من آورد.

هنگامی که جبرئیل سنگ را در جایگاهش قرار داد، از شدت سفیدی، نوری از خود منتشر می کرد. به طوری که شرق و غرب و شمال و جنوب را در برگرفت. شعاع این نور تا انتهی نشانه های حرم (= انصاب) می رسید.

«ازرقی» درباره رنگ سیاه این سنگ می گوید:

«شدت سیاهی آن به علت آتش سوزی های مکرری است که یکی پس از دیگری در دوران جاهلیت و اسلام در کعبه رخ داد، تا آنجا که کعبه را به ویرانی کشانید. علت ساختمان قریش پیش از ظهور اسلام نیز آتش سوزی مهیبی بود که در آن رخ داد و تمامی کعبه را به ویرانی تبدیل کرد. پس از آن بود که کعبه را دوباره بنا نهادند و بار دیگر نیز در دوران ابن زبیر آتش دامن کعبه را در برگرفت، به طوری که حجرالأسود را به سه قسمت تقسیم کرد. پس ابن زبیر به هنگام ساختمان خویش از کعبه، حجرالأسود را در میان طوقی از نقره قرار داد و آن را بر رکن اصلی خود نهاد.»

از گفته ازرقی این چنین بر می آید که سیاهی حجرالأسود بر اثر آتش سوزیهای مکرر در کعبه بوده است. همچنین آشکار می گردد که حجرالأسود از ابتدای آفرینش و ساختمان کعبه، به وسیله فرشتگان و سپس حضرت آدم (علیه السلام) و فرزندش شیث (علیه السلام) وجود داشته و در همین جایگاه بوده است.

روایات و احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده که حجرالأسود از بهشت نازل گردیده است؛ از آن جمله، احمد از انس بن مالک و نساء از ابن عباس روایت کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«الحجر الأسود من الجنة»؛ «حجر الأسود از بهشت است.»

و نیز احمد و دیگران روایت کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«الحجر الأسود من الجنة و كان أشدّ بياضاً من الثلج حتى سؤدته خطايا أهل الشرك»

«حجرالأسود از بهشت است و سفیدی آن از سفیدی برف بیشتر بود لیکن خطای مشرکان و کافران رنگ آن را به سیاهی تبدیل ساخت.»

در باره رنگ سیاه حجرالأسود، مطالبی در تاریخ آمده که به ذکر برخی از آن می پردازیم:

ازرقی به هنگام سخن درباره ساختمان کعبه به وسیله ابن زبیر، از شرحبیل ازبی عون از پدرش روایت کرده است که گفت: «حجرالأسود شکاف خورده و سیاه شده در اثر آتش سوزی را دیدم در حالی که درون آن همانند نقره سفید بود.»

همچنین ازرقی به هنگام این ساختمان، از منصور بن عبدالرحمن حجبی (پرده دار)، از مادرش روایت کرده است که گفت: رنگ حجرالأسود پیش از آتش سوزی همانند رنگ سنگ مقام بود لیکن هنگامی که آتش سوزی رخ داد، این سنگ سیاه گردید. به هنگام این آتش سوزی حجرالأسود سه قطعه شد که ابن زبیر آن را در طوقی از نقره قرار داد.

ابن جبیر در سفرنامه اش، که به سال ۵۷۸ هجری صورت گرفته، آنگاه که به مکه می رسد، از مشاهدات خود درباره حجرالأسود اینگونه توصیف می کند:

«در قطعه سالمی که در سمت راست استلام کننده حجرالأسود واقع است، نقطه سفید رنگ کوچکی دیده می شود که همانند خالی در آن صفحه مبارک می درخشد. این نقطه سفیدرنگ به گونه ای است که نگاه کردن به آن موجب جلی چشم می گردد.»

در کتاب «الاشاعة لأشراط الساعة» به هنگام سخن درباره از جا در آوردن حجرالأسود به وسیله قرامطه، در سال ۳۱۷ هجری، این گونه می نویسد: محمد بن نافع خزاعی گوید:

«در حجرالأسود زمانی که از جا کنده شده بود، دقت کردم، سیاهی را فقط در بالا و رأس آن دیدم، در حالی که سایر قسمت های آن سفید بود. طول این قطعه سنگ کمی بیشتر از يك ذراع به نظر می رسید.»

در کتاب «جامع اللطیف» نوشته ابن ظهیره قرشی آمده است:

«قاضی عزالدین ابن جماعه» گفت: به هنگام اولین سفر حج خود در سال ۷۰۸ هجری، نقطه ای سفید رنگ که بری هر شخصی مشهود بود، در آن دیدم لیکن در سفرهای بعدی خود، کوچک شدن آن نقطه سفید رنگ کاملاً آشکار و واضح بود.»



ابن ظهیره در کتاب خود «جامع اللطیف» از مناسک ابن خلیل متوفی این گونه روایت کرده است که:

«درقسمتی از حجرالأسود، که سمت در کعبه معظمه قرارگرفته، همواره سه نقطه سفید شفاف را می دیدم که نخستین نقطه سفید رنگ و بزرگترین آنها به اندازه دانه ذرتی بود و نقطه دوم کنار آن و کوچکتر از آن بود و نقطه سوم در کنار نقطه دوم و کوچکتر از نقطه دوم و به اندازه دانه ارزن بود.»

من همواره در این سه نقطه نظر داشتم و احساس می کردم که با گذشت زمان، این نقطه های سفید رنگ کوچکتر می شود.

حجرالأسود در طول تاریخ، به علت آتش سوزیهای مکرر و صدمات دیگر، موجب تَرَک خوردن وجداشدن قطعاتی از آن گردید که نخستین بار به هنگام دوران ابن زبیر اتفاق افتاد و حجرالأسود به سه قطعه جدا از هم تغییر یافت. این آتش سوزی در سال ۶۴ هجری اتفاق افتاد که ابن زبیر سه قطعه سنگ را در طوقی از نقره خالص گذاشت و سپس آن را در جایگاه اصلی خود، در رکن قرار داد.

از این پس حوادث دیگری رخ داد که در نتیجه، این سنگ به چندین قطعه جدا از هم مبدل گردید، از اینرو همواره امیران و پادشاهان به هنگام ساختمان کعبه دقت کافی را به هنگام جابه جایی آن داشته اند، تا آنجا که در ساختمان سلطان مراد چهارم که در سال ۱۰۴۰ هجری اتفاق افتاد، از بیم آسیب دیدن حجرالأسود، آن را از جای خود تغییر ندادند بلکه اطرافش را با دقت کافی، مستحکم کردند.

حجرالاسود از طوق نقره نی آن در سال ۱۳۷۵ هجری جهت مرمت اطراف آن برداشته شد.

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

و داکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی»

سپتمبر ۲۰۱۳